

تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی

دکتر منیژه نویدنیا*

چکیده

مقاله حاضر با تأکید بر نقش امنیت اجتماعی به مطالعه تأثیر آن بر هویت ایرانی می‌پردازد و ضمن بررسی مفهومی امنیت اجتماعی، با بررسی میزان برخورداری خانواده‌ها از امنیت اجتماعی، نحوه مرادفات آنان را با گروه‌های هویتی مورد بررسی قرار می‌دهد. امنیت فکری، امنیت شغلی و امنیت اخلاقی به عنوان ابعاد از امنیت اجتماعی برآورد و نوع مرادفات خانواده با گروه‌های هویتی مختلف، به حسب تفاوت ابعاد امنیت اجتماعی مورد مقایسه قرار گرفته است. این مقاله از دو بخش اسنادی و پیمایشی تشکیل شده است. به دو سؤال تحقیق بر اساس قسمت اسنادی پاسخ داده شده و پاسخ سؤال سوم مبنی بر رابطه امنیت اجتماعی و هویت، بر اساس پیمایش به دست آمده که طی آن با ۴۲۰ خانواده ساکن در منطقه شمال و جنوب تهران مصاحبه شده است. برای تحلیل داده‌ها از آزمون F استفاده گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد برخورداری از امنیت اجتماعی با پذیرش هویت‌های گوناگون و قبول مرادف و تعامل با آنها، رابطه معنی‌داری دارد. همچنین سطح برخورداری از امنیت فکری، شغلی و اخلاقی به نوبه خود تأثیر زیادی بر امنیت اجتماعی به عنوان شاخص ترکیبی از سطوح گوناگون امنیت در اجتماع را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی

امنیت اجتماعی، امنیت اخلاقی، امنیت فکری، امنیت شغلی، هویت فردی، هویت جمعی

مقدمه

امنیت با بشر زاده شده است و در تاریخ، ما جامعه‌ای را سراغ نداریم که دیرزمانی فارغ از دغدغه و معضلات امنیتی، روزگاری را سپری کرده باشند. امنیت با توجه به تعریف کلی آن «برخورداری از آسودگی و آرامش کامل و دوری از هرگونه خطر و دغدغه» مفهومی عمیق و گسترده دارد و معانی و مفاهیم متعددی را در اذهان تداعی می‌کند. (خانی، ۱۳۸۳) بعضی امنیت اجتماعی را حفظ جان، مال، ناموس و آبروی مردم و تأمین آرامش روحی و روانی آنها تلقی می‌کنند. (لات، ۲۰۰۴) تصور برخی دیگر از این واژه اقتدار حاکمان و دولتمردان و حفظ پایه‌های قدرت آنان بر امور جامعه است. (جانسون، ۲۰۰۳) و عده‌ای امنیت را در گسترش آزادی‌ها و مشارکت مردم و بروز و ظهور نهادهای مدنی جستجو می‌کنند. (هاف، ۲۰۰۴) با این نگرش‌ها می‌توان دریافت مفهوم امنیت اجتماعی مانند هر موضوعی با توجه به قراردادهای اجتماعی تغییر یافته و به اشکال گوناگون مطرح می‌شود. در نتیجه باید اعتراف کرد که گرچه واژه امنیت اجتماعی در طول و بستر زمان ثابت باقی مانده است، اما معنا و مفهوم آن از اساس دگرگون شده است. به نحوی که معانی این واژه و تشریح‌های حاکم بر آن به قدری متفاوت گردیده که از آن می‌توان به عنوان انقلاب در مفهوم امنیت اجتماعی نام برد. (ذاکری، ۱۳۷۷: ۵)

بدیهی است سیر تکوینی حوزه مفهومی امنیت، تحولات اساسی منظرهای متفاوت آن را نمایان می‌سازد، هم‌چنین به غنای مطالعات پیرامون امنیت می‌افزاید. بنابراین، لازم است ابعاد مفهومی امنیت را مورد توجه قرار دهیم تا از قابلیت انتقال بهتری برای خواننده برخوردار باشد. بنابراین، مقاله حاضر به منظور بررسی رابطه میان امنیت اجتماعی و هویت ایرانی، ابتدا به تشریح مفهوم امنیت اجتماعی پرداخته و پس از مروری کوتاه بر ادبیات موضوع، براساس نظریه‌های زیمل، مارکس و چند تن دیگر از جامعه‌شناسان به ارائه الگوی نظری مبادرت نموده و فرضیه اصلی تحقیق را بر اساس داده‌های تجربی، آزموده و صحت و سقم آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

بیان مسأله

فرهنگ آکسفورد از هویت به عنوان چستی و کیستی فرد یاد می‌کند، فرهنگ معین واژه هویت را، آن چه موجب شناسایی شخص باشد، یعنی آن چه باعث تمایز یک فرد از دیگری باشد، تعریف کرده است. پس حتماً یک خود^۱ و یک غیر^۲ وجود دارد و گرنه شناسایی معنا پیدا نمی‌کند.

هویت را به دو دسته کلی هویت فردی - شخصی و هویت جمعی - اجتماعی تقسیم نموده‌اند. هویت فردی بر ویژگی‌های انتسابی و ارثی تکیه زده است و بالعکس هویت جمعی بر خصوصیت‌های اکتسابی و اجتماعی بنا گردیده است. (وود وارد، ۲۰۰۰) هوش، زیبایی، قد، جنس از جمله ویژگی‌های هستند که معرف هویت فردی بوده و تحصیلات، شغل، درآمد، اقتدار از خصوصیات هستند که هویت جمعی را سامان می‌بخشند. با این حال بسیاری از اقسام هویت از تعامل ویژگی‌های انتسابی و اکتسابی تشکیل می‌شوند و مشخصه اصلی آنان این است که تعدادی افراد به حسب خصوصیات مشترک به یکدیگر پیوند خورده‌اند مانند هویت قومی، هویت دینی، هویت ملی. (سوئینی، ۱۹۹۹)

به این ترتیب، هویت مجموعه‌ای به هم پیوسته از ویژگی‌هاست که انتساب یا اکتساب فرد یا افراد به آنها، موجب معرف شدن فرد و تمایز او از دیگران می‌شود. بر مبنای هویت، فرد خویشتن خویش را بازشناخته و چستی و کیستی خود را تعریف می‌نماید، هم‌چنین تمایز و تفکیک، مرز و فاصله، دوری و نزدیکی خویش را با دیگران در می‌یابد. (شیخاوندی، ۱۳۸۰)

بنابراین، هویت ماهیتی پارادوکسیکال و تناقض‌نما دارد، چرا که بر اساس آن به طور هم‌زمان می‌توان، هم از فرد و هم از دیگران سخن گفت. به ابعاد پارادوکس گونه مختلفی از هویت اشاره رفته است، از جمله هویت به دلیل فرایندی بودن آن دائماً در معرض بازتعریف و بازتولید است. مثلاً اگر زبان فارسی زمانی

1. Self
2. Others

۱۳۴ ❖ تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی

اساس هویت ایرانی بوده است، معلوم نیست که الان هم بتواند آن نقش را ایفا کند. پارادوکس دیگر به هویت‌های چندگانه مربوط می‌شود. معمولاً افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی الزاماً به یک هویت وابسته نیستند و می‌توانند هویت‌های مختلفی را پذیرفته باشند. مثل هویت قومی، هویت دینی، هویت زبانی، هویت ملی، جنسیتی و هویت مربوط به گروه‌های شغلی. (افروغ، ۱۳۸۰: ۱۴)

از آنجا که افراد، به جهت عضویت در گروه‌های متعدد اجتماعی از هویت‌های جمعی چندگانه برخوردار هستند، بنابراین، نحوه تعامل و مناسبات میان هویت‌های جمعی گوناگون نقش مهمی در تثبیت شخصیت فردی و اجتماعی آنها دارد، چنان‌که اگر هویت دینی آنان در تضاد با هویت شغلی قرار گیرد یا هویت جنسی آنان در مقابل هویت قومی قد علم نماید، افراد در این کشاکش به بلاتکلیفی و سردرگمی دچار شده و در شرایط آنومیک غوطه‌ور می‌مانند و معلوم نیست در ستیزه این تقابل‌ها، گوی سبقت را کدام هویت برآید. اما به هر حال آن چه روشن است، در جامعه امروزی، افراد به عضویت در گروه‌های متنوع و مختلف احتیاج دارند و نمی‌توانند تنها در سایه یک هویت تعریف شوند. هم‌چنین اگر افراد بر حسب تنوعات هویتی تعریف شوند و میان این تنوعات وجوه پیوندی وجود نداشته باشند، افراد در دسته‌ها و جمع‌های متکثر توزیع شده و از همکاری و همیاری یکدیگر بی‌بهره می‌مانند، مگر آن‌که این تنوعات در سایه وحدتی همه‌پسند، سامان یافته و افراد را به یکدیگر پیوندزند. پس نحوه تعاملات، مناسبات، ارتباطات، شیوه‌های مسالحه، تحمل، سازگاری، هم‌زیستی میان هویت‌های چندگانه از اهمیت بسزایی برخوردار است. اگر بپذیریم هویت‌های جمعی هر یک به تنهایی مستقل بوده و خاستگاه و ملزومات خاصی دارند و تابع الگوهای رفتاری منحصر به فردی هستند، ولی در عین حال بر حسب وسعت و پهنا، عمق و دامنه‌شان می‌توانند در دل یکدیگر قرار گرفته و چون جعبه‌هایی در نظر آیند که با توجه به بزرگی و کوچکی می‌توانند در درون همدیگر قرار گیرند.

تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی * ۱۳۵

به این ترتیب، با فرض وجود زنجیره پیوندی میان هویت‌های چندگانه، می‌توان هویت ایرانی را به عنوان ساختار کلانی در نظر آورد که سایر هویت‌ها در آن قرار می‌گیرند و از چنان سطح اثربخشی و سامان‌دهی برخوردار است که ظرفیت جاگرفتن تنوعات هویتی در زیر چتر آن نه تنها ممکن است، بلکه باعث انسجام و همگونی میان آنها خواهد بود. به بیان دیگر، پیکره هویت ایرانی، گرچه بر مؤلفه‌های خود تکیه زده است، اما زمانی می‌تواند ادامه حیات یابد که زنجیره پیوند خویش را با سایر هویت‌ها حفظ نماید و گلوگاه‌های ارتباطی خویش را با آنان پایدار نگه دارد. در غیر این صورت هویت‌ها در مقابل هم قرار خواهند گرفت و تفوق‌طلبی‌ها و از صحنه به‌دردکردن، جز نافرجامی و هدردادن توان جامعه ارمغان دیگری نخواهد داشت.

حال سخن بر سر آن است هویت ایرانی چگونه می‌تواند با سایر هویت‌ها پیوند خورده و ارتباط خویش را با سایر هویت‌ها حفظ نماید، به گونه‌ای که باعث تقویت یکدیگر شده و نقاط ضعف یکدیگر را بهبود بخشند و با حمایت هم، به ارتقای یکدیگر مدد رسانند.

با قبول این که هویت ایرانی به عنوان «هویت مادر» از چنان گستردگی و عمقی برخوردار است که می‌تواند هویت‌های قومی، دینی، سنی، سیاسی، جنسی، شغلی، هنری، صنفی را در دل خویش قرار داده و آنان را به رنگ و لعاب خویش مزین نماید. چگونه هویت‌های ایرانی می‌تواند هویت‌های متنوع را در خود جای‌داده و علی‌رغم هم‌زیستی میان آنان به حفظ تنوع میان آنان پای‌بند مانده و تفاوت‌ها را به رسمیت شناسد و از تمایزات دشمنی‌ساخته و از کنار تناقض‌ها و تضادها گذر کند و چنان عمل نماید که اختلافات با تعامل و تبادل به صورت مکمل یکدیگر درآیند و در جهت ارتقا عمل کنند. همیشه اختلاف‌ها، تفاوت‌ها، تمایزها و انحراف‌ها باعث فاصله، جدایی، دشمنی و عدم تفاهم نیستند. بلکه در بسیاری موارد، با تعامل بجای مناسب می‌توان از اختلاف‌ها و تمایزها استفاده نموده و از آنان به عنوان نیروهای مکمل بهره برد.

به این ترتیب، در مقاله حاضر به نقش امنیت اجتماعی در پایداری هویت ایرانی پرداخته شده و ضمن تأکید بر ضرورت تعامل و ارتباط میان هویت‌های چندگانه، امکان هم‌زیستی آنان را در سایه برقراری امنیت اجتماعی مورد ملاحظه قرار داده است و تأثیر کمی و کیفی میزان تحقق امنیت اجتماعی را بر حفظ و دوام هویت ایرانی بررسی می‌نماید.

پرسش‌های تحقیق

- ۱- امنیت اجتماعی چیست؟ و از چه حوزه معنایی برخوردار است؟
- ۲- آیا امنیت اجتماعی دارای حوزه‌ای مستقل در عرصه تبیین و تحلیل جامعه است؟
- ۳- آیا می‌توان گفت امنیت اجتماعی باعث تداوم و بقای هویت گروه‌های اجتماعی می‌شود؟

سازماندهی مقاله

برای دستیابی به هدف مذکور و پاسخ به پرسش‌های تحقیق حاضر، در این مقاله ابتدا رویکردهای نظری در خصوص امنیت اجتماعی طرح گردیده است. توضیح این که، امنیت در این مدل‌های نظری نقش دوگانه‌ای ایفا می‌کند: از یک طرف، نبود خطر از سوی عوامل خارجی را عامل ایجاد امنیت برای جامعه دانسته و ابزارهای زور و قدرت را مورد مذاقه قرار می‌دهد و از طرف دیگر، بر مبنای ویژگی‌های جامعه، به طرف یک وضعیت با ثبات، نقشی اساسی ایفا می‌نماید و وضعیت گروه‌ها را به منزله عوامل داخلی امنیت در نظر می‌گیرد. از این‌رو، امنیت با داشتن چهره دوگانه، برای انتظام‌بخشی و برقراری امنیت گروه‌ها در دستور کار دولت‌ها قرار می‌گیرد. هدف این مقاله بررسی نقش امنیت اجتماعی بر هویت ایرانی است. از این‌رو، در مقاله به طور خلاصه با استناد به روش اسنادی به سؤالات اول و دوم تحقیق پاسخ داده شده است، سپس به جهت تمرکز بر رابطه میان امنیت اجتماعی و

تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی ❖ ۱۳۷

هویت ایرانی، از بحث پیرامون رویکردهای سلبی و ایجابی امنیت اجتناب نموده، هم‌چنین به منظور حفظ سطح تحلیل کلان، از شرح و بیان هویت ایرانی و مؤلفه‌های آن پرهیز نموده‌ایم و سؤال سوم تحقیق پس از طرح نظری و تعیین متغیرهای تحقیق به روش پیمایش در خانواده‌های ساکن شهر تهران، مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است.

مفهوم امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی^۱ که دلالت بر تأمین امنیت برای جامعه دارد، مانند هر مفهوم دیگر علوم اجتماعی نیازمند آن است که معنی و محتوای آن به طور کامل مشخص شود. پس برای شروع، ابتدا به نقطه نظرهای تئوری پردازان امنیت پرداخته و سپس به حوزه معنایی آن می‌پردازیم.

اصطلاح امنیت اجتماعی را «باری بوزان» برای اولین بار در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» به کار برد. وی امنیت اجتماعی را به قابلیت حفظ الگوهای زبانی، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط دانسته است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴) بوزان امنیت اجتماعی، را تنها یکی از ابعاد رویکرد پنج بُعدی مقوله امنیت در نظر آورده. دیگر بخش‌های این رویکرد عبارتند از: امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی. تمام ابعاد از جمله امنیت اجتماعی، همگی بخش‌هایی از امنیت دولتی هستند.

«ویور» در کتاب «هویت» بیان می‌دارد رویکرد پنج بُعدی بوزان، امروزه در بافت اجتماعی غیرقابل قبول است. در نتیجه او دست به یک مفهوم سازی مجدد از فرضیه پیشین بوزان زده است. مفهوم سازی وی پنج بُعدی نیست و تنها مشتمل بر دو بُعد امنیت دولتی و امنیت اجتماعی است. امنیت اجتماعی در این جا بخشی از امنیت دولتی تلقی می‌شود، اما به عنوان یک بخش مستقل نیز به آن ارجاع داده می‌شود. در حالی که امنیت ملی، درگیر تهدیداتی است که متعرض اقتدار دولت می‌شوند، امنیت

۱- ابتدا خاطر نشان می‌گردد مناسب‌ترین معادل برای "societal security" عبارت است از «امنیت جامعه‌ای یا امنیت جامعه‌ی». اما چون این اصطلاح چندان مانوس نیست از واژه «امنیت اجتماعی» استفاده شده است، که البته معادل دقیقی نیست.

۱۳۸ ❖ تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی

اجتماعی، نگران تهدیداتی است که هویت جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهند. اگر جامعه‌ای هویت خود را از دست بدهد، دیگر دوامی نخواهد داشت. بنابراین گرچه دولت اکنون محل و مرجع امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است، اما اجتماع نیز در حد خود، مرجع امنیت اجتماعی به شمار می‌رود. (روی، ۱۳۸۲: ۶۹۳) ویور بر ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تأکید دارد و خاطر نشان می‌کند که جامعه امنیت هویت‌اش را جستجو می‌کند. به طوری که باید قادر به حل اختلافات هویتی باشد، اعضا نمی‌توانند نسبت به چیزهایی که هویتشان را تهدید می‌کند احساس مسؤولیت نداشته و آنها را تنها به دولت واگذار نمایند. (نوبدینیا، ۱۳۸۲: ۶۲)

بنابراین، آن چه در امنیت اجتماعی (یا امنیت جامعه‌ای) مورد توجه است آن است که: «اجزای سازنده هویت جامعه از خطرات مصون بمانند و قدرت مقابله با تهدیدات را داشته باشند». (بوزان، ۲۰۰۱) بنابراین، امنیت اجتماعی در پی تأمین امنیت برای هویت گروه‌ها و سازمان‌های موجود در جامعه است. امنیت اجتماعی عبارت است از این‌که، هویت گروه یا سازمان، توانایی‌ها، دارایی‌ها و مقبولیت‌های هویتی آن از سوی سازمان‌های اجتماعی دیگر با تهدید و خطر مواجه نگردد. در واقع زمانی می‌توان از «استقرار امنیت اجتماعی سخن راند که گروه‌های موجود در جامعه برای حفظ هویت خویش از هرگونه آسیبی مصون بوده و بتوانند به روابط همکاری خود با سایر گروه‌ها ادامه دهند.» (ویور، ۲۰۰۳)

حوزه معنایی امنیت اجتماعی

با عنایت به مطالب فوق، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد. امنیت اجتماعی در مفهوم تضمین کلیت و تمامیت جامعه در مقابل خطرات و تهدیدات، دارای دوایر و لایه‌های محدودی چون امنیت جان، ثروت، اخلاق، قانون، فرهنگ، دین، هنر نمی‌شود بلکه تمام جنبه‌ها و شئون حیات اجتماع را دربرمی‌گیرد. به بیان دیگر، امنیت اجتماعی به «کیفیت» زیست در جامعه نظر دارد و در وادی توجه به کیفیت

تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی ❖ ۱۳۹

زندگی طرح شده است. در واقع، امنیت اجتماعی نگاه تازه‌ای به جامعه است. نگاهی که بر تبلور فضایل و کمالات انسانی تأکید دارد. شعار اصلی امنیت اجتماعی به این قرار است: ارزش انسان به هویت انسانی اوست، پس به جهت همین ارزش مندی باید هویت‌اش از خطرات و آسیب‌ها حفظ شود.

اما هویت و شایسته زیستی در کجا رقم زده می‌شود؟ در خانواده، محله، اداره و محل کار، در میان خویشاوندان، دوستان، همکاران، گروه قومی، مذهبی، حزب، گروه‌های شغلی، هنری و غیره. بنابراین، گروه‌های گوناگون که افراد جامعه را در خود جای داده‌اند و هر یک سهمی در هویت‌بخشی او دارند، مسند امنیت اجتماعی خواهند بود.

در واقع، گروه‌های مختلف بستر رشد و پرورش هویت هستند. گروه‌های اجتماعی مأمن تجربه لطف و محبت، آموزش و تربیت، مهارت و حرفه، انگیزه و علاقه هستند. خانواده با حریمی از عشق و محبت بذر دوستی و صفا پرورش می‌دهد. مدرسه با آموزش و تعلیم، بینش و معرفت را در جان آدمی زنده می‌کند. دوستان و همسالان با تأییدات و توجهات عزت نفس را می‌رویانند. قومیت به انضمام اشتراک طبیعت، افراد را به هم‌پیمانی می‌خواند. هم‌آیینی و هم‌مذهبی، همراهی و مشارکت را فراهم می‌کند و الی آخر. خلاصه به هر سو که بنگری خمیرمایه انسان در آغوش گروه‌های اجتماعی آبدیده و پرورش می‌یابد و هویت افراد شکل می‌گیرد.

در واقع، جامعه با فرض برخورداری افراد از سطح قابل قبولی از زندگی زیستی و مادی، نیازمند شرایط امن در بُعد فکری، اخلاقی و هویتی است. از سوی دیگر، چون دوران فردیت‌گرایی افراطی سپری شده است و انسان‌ها از آئیمزه‌شدن در جامعه پرهیز می‌کنند، شکل‌های گوناگون رسمی و غیررسمی آمیزش اجتماعی در قالب گروه‌های ملی، حرفه‌ای، سیاسی، مذهبی، هنری، ورزشی، علایق زیستی و غیره سامان یافته است. در جامعه این گروه‌ها و سازمان‌ها، با یکدیگر روابط پایاپای دارند.

۱۴۰ ❖ تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی

به این ترتیب، امنیت جامعه دیگر حاصل قدرت نیست بلکه حاصل کلیه اجزای نظام اجتماعی است که هویت جامعه را تشکیل می‌دهند. بنابراین، امنیت اجتماعی با رهایی گروه‌ها و سازمان‌ها از خطرات و آسیب‌های هویتی، امنیت جامعه را فراهم می‌نماید.

در این راستا، از جمله گروه‌های مهم که بخش اعظم هویت افراد را سامان بخشیده و تعداد قابل ملاحظه‌ای را به یکدیگر پیوند می‌زنند و موجب تعلق خاطر شده و احساس «مایی» را فراهم می‌کنند، «هویت ملی» است که ریشه در سرزمین و قلمرو مشترک داشته و بر اساس خاطرات، تاریخ، ادبیات، زبان و غیره موجب هم‌سویی و همگنی میان افراد شده و آنها را به درک مشترک، آگاهی مشترک و احساس مشترکی می‌رساند و مبنی هویتی میان افراد می‌گردد.

گروه ملی، گروهی است که تعداد بی‌شماری افراد در آن به دنیا می‌آیند، پرورش می‌یابند، کار می‌کنند و پیوند دوستی و مودت می‌بندد.

با این چشم‌انداز، یکی از گروه‌های مهم که هویت جامعه را رقم می‌زند، گروه ملی است. ساختاری که بسیاری از هویت‌های جمعی دیگر چون هویت قومی، هویت شغلی، هویت دینی در آن گرد هم آمده و با همیاری هم جامعه را از خطر تجزیه و فروپاشی حفظ می‌کند. بنابراین، یکی از اهداف یا به عقیده برخی صاحب‌نظران، هدف اصلی امنیت اجتماعی، تداوم و پایرجایی هویت ملی است. (گوتزینی، ۲۰۰۴) ایجاد شرایط امن برای جامعه در سایه حفظ روح آن که همان هویت ملی است.

بنابراین، تبعیض، عدم آزادی، فقر، وابستگی، نابرابری، بی‌عدالتی، سلطه، عدم اجرای قانون، ایجاد ترس و اجبار حوزه‌هایی است که باید از میان رفته و راهکارهای لازم جهت ایجاد تعادل و توازن فراهم گردد. مشارکت، همدردی، همراهی، تعهد، همکاری و جوه دیگری هستند که برای استمرار هویت جامعه مورد توجه‌اند. تمامی این حوزه‌های مختلف و گسترده در حیظه مقوله امنیت اجتماعی

تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی ❖ ۱۴۱

جای می‌گیرند. چرا که هویت جامعه وابسته به آنهاست و بسته به نوع حرکات آنان، کارکردهای مختلفی ایجاد می‌شود.

به این ترتیب، با برقراری امنیت اجتماعی، هویت ملی حراست شده و از خطرات مصون می‌ماند و بالعکس با کاهش امنیت اجتماعی، هویت ملی در معرض آسیب قرار گرفته و بقا و دوام آن تضعیف خواهد شد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت امنیت اجتماعی دارای حوزه‌ای مستقل در عرصه تبیین و تحلیل جامعه است و کلیه سازوکارهای ارکان جامعه به حسب میزان تحقق امنیت اجتماعی تضمین یا تضعیف خواهند شد.

چهارچوب نظری

به منظور بررسی نقش امنیت اجتماعی بر هویت، ابتدا از نظریه‌های زیمل، سورل و مارکس در خصوص ضرورت تعامل و ارتباط میان هویت‌های گوناگون جهت شناخت و معرفت نسبت به یکدیگر، استفاده می‌نماییم. سپس با توجه به این که ایمن بودن یعنی شرایطی که دغدغه، نگرانی، هراس و ترس و وجود نداشته باشد. به شرایطی که ایمنی، به اقتضای مقابله با ناامنی که همان خطرات، تهدیدات و آسیبها فراهم می‌کند، توجه می‌کنیم. (باین، ۲۰۰۳) از این رو، تأکید داریم شرایط ایمنی، به جهت کاهش خطرات و از بین بردن آسیب‌ها، مهیا می‌گردد. در این راستا، خطرات و آسیب‌های هویتی تهدیداتی خواهند بود که بقای مؤلفه‌های هویتی چون زبان، آداب و رسوم، تاریخ و قهرمانان، پوشاک و نحوه پوشش، جشن‌ها و اعیاد، ادبیات و غیره را نشانه می‌گیرند. بر این اساس، چهارچوب نظری تحقیق حاضر یک نظریه تلفیقی است و متغیرهای موجود در مدل نه از یک تئوری بلکه از چند تئوری و دیدگاه گرفته شده است.

بر اساس نظریه زیمل، تقابل از طریق تشدید احساس جدا بودن از سایرین، مرزهای میان گروه‌ها را در سیستم اجتماعی وضع نموده و بدین وسیله هویت گروهی را در سیستم اجتماعی حاصل می‌آورد. از جانب دیگر، زیمل مشخص

می‌کند که دفع دو سویه از هر دسته و گروهی باعث نگهداری کل سیستم اجتماعی می‌گردد، چرا که با این وسیله تعادلی میان گروه‌های مختلف موجود در اجتماع به وجود خواهد آمد. زیمیل تأکید می‌کند وجود گروه‌های متعدد و تقابل میان آنها می‌تواند نظامی را برپا نگه دارد. به عقیده وی علت ایجاد چنین حالتی، تداوم همبستگی میان افراد متعلق به یک گروه است که به وسیله نشان دادن تفاوت‌های خود به اعضای گروه دیگر بروز می‌نماید. همین امر، زمینه‌ساز تداوم سلسله مراتبی از موقعیت‌های اجتماعی می‌گردد. (کوزر، ۱۳۸۴: ۷۰).

اما زیمیل در ادامه خاطر نشان می‌نماید این امر، در مورد جوامعی صادق است که توانسته‌اند شرایط مناسبی را برای تقابل میان گروه‌ها فراهم نمایند. در این صورت، رفتارهای خصمانه و دشمنانه، به رقابت انجامیده و نوعی تمایل مثبت به سمت گروه‌هایی پدید می‌آید که در تقسیم‌بندی ساختار اجتماعی در منزلتی بالاتر قرار دارند و می‌توانند سرمشقی جهت رفتار اجتماعی باشند.

کارکردی این چنین، برای تقابل قایل شدن، که هم موجب هویت گروهی است و هم ضامن حفظ آن، نزد نظریه‌پردازانی چون جورج سورل و کارل مارکس از اهمیت شایانی برخوردار است. سورل قایل به شناسایی ارتباط تنگاتنگ بین تقابل و باهم‌بودگی گروهی بود. او می‌دانست که طبقه کارگر تنها زمانی می‌تواند از ویژگی‌های خاص خود حفاظت نماید که در تقابل مستمر با طبقه متوسط قرار داشته‌باشد. تنها از طریق عمل و در خود عمل است که اعضا می‌توانند به ماهیت طبقاتی خود پی‌ببرند. برای مارکس نیز ایجاد طبقه‌ها، منوط به وجود تقابل در جامعه است. آحاد مردم می‌توانند در حیات اجتماعی‌شان عیناً موقعیت‌های یکسانی را دارا باشند، اما صرفاً از طریق تقابل و به واسطه ایجاد آن، به یکسان بودن علایق خود پی‌خواهند برد. (کوزر، همان: ۶۹) پس قطعاً تمایز میان ما (گروه خودی) و دیگران (گروه ناشناس یا گروه غیر) از طریق تقابل حاصل می‌شود. بنابراین شناسایی، تثبیت، دوام و بقای گروه‌ها و هویت‌های گوناگون در گرو شرایط و موقعیت تعامل و

تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی ❖ ۱۴۳

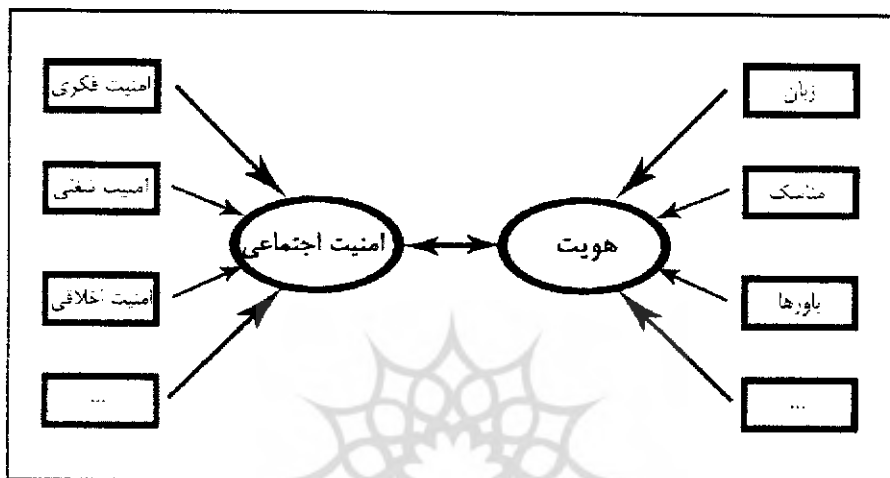
ارتباط آنها است. به گونه‌ای که اگر شرایط تعامل غیرخوشونت‌آمیز وجود داشته باشد، گروه‌ها ضمن همکاری با یکدیگر، به دوام و بقای هویت خویش دامن می‌زنند و بالعکس اگر گروه‌ها درگیر تعارض و کشمکش یا همان شرایط ناامن شوند، به اقداماتی در جهت نابودی یکدیگر سوق داده می‌شوند و حیات هویت آنان تضمین نخواهد بود.

بر پایه تئوری پیوند افتراقی^۱، وقتی ابزار و امکانات معمول و مورد نیاز یکسان توزیع نشود و برخی در شرایط بهتر قرار گیرند و برخی با عدم امکان دستیابی به وسایل و امکانات مواجه باشند، احتمال رفتارهای خصمانه افزایش می‌یابد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۵۲) و این امر به ناامنی منجر خواهد شد، هم‌چنین در این زمینه می‌توان به تئوری مرتون در باب تناسب میان وسایل و اهداف اشاره داشت. اگر وسایل لازم برای دستیابی به اهداف فراهم باشد، افراد در گروه‌های ناهمنوا قرار نگرفته و با مدد از شیوه‌ها و راهکارهای مشروع و پذیرفته شده، به اهداف خویش نایل می‌گردند. (تنهایی، ۱۳۷۴) در همین راستا، اگر تعلق به هویتی خاص، عامل بهره‌مندی از منابع جامعه نباشد و افراد علی‌رغم تعلقات متفاوت بتوانند به امکانات و فرصت‌های جامعه دسترسی یابند، امکانات همزیستی هویت‌های چندگانه در جامعه فراهم شده و تشویش و نگرانی یا همان ناامنی از بین می‌رود و هویت‌ها در تعارض کمتری با یکدیگر قرار می‌گیرند. چنان‌که به طور مثال استفاده از وسایل ارتباط جمعی برای بیان عقاید و خصوصیات هویتی همه گروه‌ها مهیا باشد، یا فرصت‌های نشر و چاپ افکار و باورهای گروه‌ها به یکسان توزیع شود. بنابراین می‌توان گفت یکی از موقعیت‌هایی که گروه‌ها از ایمنی برخوردارند، زمانی است که آنان دارای شرایط برابری در اشاعه افکار و اعمال خود هستند. در چنین وضعیتی، تعارضات میان آنان کاهش یافته و فرصت طرح، بیان و ابراز وجود میان آنان بیشتر می‌شود که این امر موجب بقای هویت آنان خواهد بود.

۱. Differential Association

از سوی دیگر، افراد چون به هویت‌های گوناگونی تعلق دارند، نباید این هویت‌ها در مقابل یکدیگر قرار گیرند و شیوه‌های رفتاری غیرقابل جمعی میان آنان، ارائه گردد، در غیر این صورت به استناد تئوری آنومی دورکیم، بلا تکلیفی و سردرگمی دامن‌گیر افراد می‌شود (آرون، ۱۳۷۰) و افراد برای سامان‌دادن به چنین شرایط ناپایدار، به انتخاب هویتی خاص به طور مثال هویتی قومی، مبادرت می‌ورزند تا بتوانند خود را از موقعیت نامشخص و تناقض‌آمیز برهانند و برای اعمال و کردار خویش مرجعی مشخص بیابند. در این شرایط، امکان هم‌زیستی میان هویت‌ها وجود ندارد و جامعه از داشتن افراد چندبُعدی که قادر به ایفای وظایف چندگانه باشند، محروم می‌ماند. نتیجه این امر، صرف‌نظر از کاهش چشمگیر سرمایه انسانی جامعه، امکان مرادفه، تعامل و ارتباط میان افراد را از بین برده و افراد در گروه‌هایی غیرقابل جمع، به صف‌آرایی در مقابل هم می‌پردازند و با ضایع نمودن ویژگی‌های هویتی یکدیگر، طول عمر حیات خویش را کوتاه می‌کنند.

هابرماس قایل به تفکیک جهان زیست از جهان عقلانی است. از آن‌جا که هویت‌ها از خصوصیات جهان زیست برخوردارند، بنابراین، شرایط گفتگو، توافق و اقناع در جامعه باید مورد توجه قرار گیرد. (هولاب، ۱۳۷۵) در واقع، یکی از عوامل مهم که موجب ایمنی می‌گردد، آن است که گروه‌های مختلف در صورت بروز مشکل و اختلاف بتوانند در شرایطی آرام به بحث و گفتگو پرداخته و به توافقی جدید برسند. تعامل‌های دوسویه از جمله عوامل مهمی هستند که در صورت وجود شرایط امن میسر می‌گردند، شرایطی که امکان ارتباط دوستانه میان گروه‌ها را فراهم می‌کند و از ایجاد تعارض‌های غیرقابل حل می‌کاهد، این امر دوام هویت گروه‌ها را به دنبال دارد.



نمودار شماره (۱) الگوی تحلیلی تحقیق را نمایش می‌دهد. این مدل از دو بخش: ۱- امنیت اجتماعی و ابعاد آن و ۲- هویت و مؤلفه‌های آن تشکیل شده است. متغیرهای موجود در مدل در دو بُعد امنیت اجتماعی و هویتی مطرح هستند. امنیت اجتماعی و ابعاد آن به میزان ایمنی‌ای که گروه‌ها در تبادل با محیط اجتماعی از آن بهره‌مند هستند، مربوط می‌شود و متغیرهای هویتی خصوصیت‌ها و ویژگی‌های گروه را نمایندگی می‌کنند.

متغیرهای تحقیق

با در نظر داشتن چهارچوب نظری فوق، برای بررسی سوال سوم تحقیق: آیا امنیت اجتماعی باعث تداوم و بقای هویت گروه‌های اجتماعی می‌شود؟ واقعیت اجتماعی آن در خانواده‌های ساکن شهر تهران مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است. برای این منظور، تنها به تأثیر یک شاخص کلان هویتی یعنی میزان مراودات اعضای خانواده با هویت‌های گوناگون اجتماعی بسنده شده است. از سوی دیگر، امنیت اجتماعی خانواده نیز با ابعاد قابل مشاهده و اندازه‌پذیر امنیت فکری، امنیت شغلی و امنیت اخلاقی مورد ملاحظه است.

امنیت شغلی^۱

این بُعد امنیت اجتماعی صرفاً شامل شرایط و اوضاع و احوالی نیست که افراد نگران از دست دادن شغل خود باشند. بلکه علاوه بر آن باید چشم‌انداز شغلی افراد در روند پیشرفت و ترقی قرار داشته باشد. یعنی افراد ضمن کار و انجام وظیفه و دریافت حقوق و مزد، از امکانات لازم برای بهبود شرایط و پرورش خویش برخوردار باشند. در این تحقیق، امنیت شغلی توسط شاخص‌های زیر مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است: اعمال نظر در کار بدون هراس از دست دادن شغل، اطمینان از ارتقای شغل، احتمال به دست آوردن شغل در مدت کوتاه، اطمینان از ثبات شغلی، نگرانی از رقابت‌های ناسالم شغلی.

امنیت اخلاقی^۲

عبارت است از تضمین اصول و الگوهای اخلاقی در روابط و مناسبات افراد مانند اعتماد، صداقت، حُسن‌نیت، سعه صدر، خیرخواهی و غیره. در این تحقیق، امنیت عاطفی توسط میزان مخاطره‌آمیز بودن شاخص‌های زیر مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است: سپردن سرمایه به فرد دیگری جهت سرمایه‌گذاری، کمک به سرنشینان ماشینی که در شب در خیابان خراب شده یا صدمه دیده است، برقراری ارتباط دوستی با افراد غریبه، انجام معاملات مهم به تنهایی.

امنیت فکری^۳

یعنی تضمین عقاید و افکار افراد در مقابل خطرات و آسیب‌هایی که مانع اشاعه نظرات آنان شود. در این تحقیق، امنیت فکری توسط شاخص‌های زیر مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است: راحت بیان نمودن باورها، چاپ و نشر عقاید، پرداختن به نظریه‌های مورد علاقه، بحث و گفتگو در مجامع عمومی، تبلیغ و تشویق افکار.

1. Occupational Security

2. Ethical Security

3. Thought Security

روش تحقیق

امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی متغیر سازه و پیچیده‌ای است. برای اندازه‌گیری امنیت اجتماعی خانواده در کل و ابعاد آن، مقیاس ساخته شده بر مبنای دریافت پاسخ‌گو از امنیت، تنظیم شد. چراکه اصولاً امنیت یک پدیده ادراکی و احساسی است. در واقع، امنیت بیش از آن‌که واقعیتی بیرونی باشد، ماهیتی ذهنی و گفتمانی است و ارتباط مستقیم با ذهنیت و ادراک مردم از آسیب‌پذیری و تهدیدات امنیتی دارد. به همین جهت، در این تحقیق، برای سنجش امنیت اجتماعی و گونه‌های آن، تنها به شاخص‌های بیرونی اکتفا نشده و توأمان احساس امنیت توسط افراد خانواده نیز مورد ملاحظه قرار گرفته است.

امنیت اجتماعی دارای ابعاد گوناگونی است در این تحقیق، به سه بُعد آن نظر شده است. شامل امنیت فکری، امنیت شغلی، امنیت اخلاقی. برای سنجش هر یک از ابعاد امنیت اجتماعی، سوالات چندگانه و به صورت طیف تنظیم شده، که از برآیند سوالات مرتبط به هر بُعد، می‌توان میزان امنیت را در آن وجه به صورت کمی مشخص نمود. اما در جداول فراوانی، میزان امنیت در قالب (کم، متوسط، زیاد) بیان شده است. در وزن‌پذیری شاخص‌ها نیز از اعتبار صوری^۱ استفاده به عمل آمد. کوشش گردید تا از توزیع چندگانه عناصر به دلایل مختلف اجتناب شود. بنابراین، وزن‌پذیری ساده و یگانه عناصر، هدف قرار گرفت.

میزان مراودات خانواده با گروه‌های هویتی مختلف: ارتباطات و نوع تعاملات خانواده به چهار نوع باز، نیمه‌باز، نیمه‌بسته و بسته تقسیم شده است. تعاملات خانواده‌ها بر مبنای چهار شاخص: میزان آزادی افراد برای شرکت یا عدم شرکت در مراسم گوناگون اجتماعی، میزان پذیرش عقاید گروه‌ها و هویت‌های دیگر، میزان دوستی و رفاقت اعضای خانواده با گروه‌های قومی و دینی دیگر و میزان مبادله و

۱. Formal Validity

دادوستدهای مالی و اقتصادی با اشخاص متعلق به گروه‌های اجتماعی، تعیین شده است. از ترکیب امتیازات چهار شاخص مذکور، خانواده‌ها بر حسب میزان امتیاز کسب شده، از کم به زیاد در یکی از این طبقه‌ها قرار داده شده‌اند.

برای بررسی از روش پیمایش استفاده شده. جامعه آماری شامل خانواده‌های ساکن در منطقه شمال و جنوب تهران است. برای انتخاب مناطق نمونه از میان مناطق بالا و پایین تهران به قید قرعه دو منطقه سه و هجده انتخاب گردید. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برای هر منطقه ۲۱۰ خانواده برآورد گردید. خانواده‌های مورد بررسی هسته‌ای، دارای سرپرست و همسر، در نوبت اول ازدواج، حداقل دارای یک فرزند بودند. پرسشنامه‌ها توسط پدر یا مادر خانواده تکمیل گردید. پس از جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام گرفت.

توصیف و تحلیل داده‌ها

بخش بزرگی از سامانه زندگی بستگی به مرادوات خانواده دارد. سبک و شیوه‌ای که اعضای خانواده در آن زیست می‌کنند، نقش بسزایی در تثبیت یا تضعیف هویت شخصی و اجتماعی آنان دارد و افراد را در پذیرش یا عدم پذیرش سایر هویت‌ها ترغیب می‌نماید. چنان‌که اگر خانواده دارای روابط باز و گسترده با هویت‌های گوناگون باشد، افراد قدرت تحمل و مدارای بیشتری دارند، چراکه دائماً در معرض رفتارهای مختلف قرار داشته و این امر موجب می‌گردد آنان به مرور توانایی بیشتری در برقراری ارتباط با افراد متفاوت داشته باشند و بالعکس هر چه روابط خانواده بسته‌تر باشد و اعضای خانواده با افراد مشابه خویش مروده داشته باشند، میزان هراس و وحشت آنان از این تفاوت‌ها بیشتر بوده و با مشکلات بیشتری در برقراری ارتباط مواجه می‌شوند. به بیان دیگر، پذیرش یا عدم پذیرش هویت‌های گوناگون ارتباط مستقیم و عمیقی با نوع مرادوات افراد دارد. هر چه افراد احساس کنند از گزند دیگران در امان هستند، احتمال بیشتری به مروده با آنان و پذیرش ویژگی‌های

تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی ❖ ۱۴۹

متفاوت آنان دارند و هر چه افراد نسبت به هویت‌های متنوع و متکثر احساس ناامنی نمایند، میزان قبول و پذیرش آنان کمتر خواهد بود. بنابراین، میزان ایمنی می‌تواند دست افراد را در برقراری ارتباط با دیگران بازگذاشته و موجبات پذیرش تنوعات اجتماعی گوناگون گردد و یا بالعکس می‌تواند افراد را دچار نگرانی و هراس کند.

برای درک ماهیت پرسش از رابطه امنیت اجتماعی و میزان مرادوات خانواده با هویت‌های گوناگون، لازم است رابطه میان آنان تقاطع داده شده تا امکان مقایسه فراهم گردد. جدول ۱-۱ میزان امنیت فکری، امنیت شغلی و امنیت اخلاقی را بر مبنای مناسبات خانواده‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد.

جدول ۱-۱- ابعاد امنیت اجتماعی و نوع مرادوات خانواده

نوع مرادوات		بسته		نیمه بسته		باز		جمع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
امنیت فکری	اصلاً کم	۱۲	۱۳/۳	۱۲	۸/۵	۵	۹/۶	۴۲	۱۰
	متوسط	۴۹	۵۴/۴	۱۰۱	۷۱/۶	۲۳	۴۴/۲	۲۷۶	۶۵/۷
	زیاد	۲۹	۳۲/۴	۲۸	۱۹/۸	۲۴	۴۶/۱	۱۰۲	۲۴/۳
امنیت شغلی	اصلاً کم	۴۵	۵۰	۸	۴/۵	۱۵	۲۸/۸	۷۵	۱۷/۸
	متوسط	۲۷	۳۰	۶۹	۴۸/۹	۱۸	۳۴/۶	۱۴۰	۳۳/۳
	زیاد	۱۸	۲۰	۷۳	۴۶/۸	۱۹	۳۶/۵	۲۰۵	۴۸/۸
امنیت اخلاقی	اصلاً کم	۳۲	۳۵/۵	۱۵	۱۲/۷	۲۲	۴۲/۳	۸۷	۲۰/۷
	متوسط	۴۲	۴۶/۶	۵۶	۴۰/۸	۶۲	۴۴/۲	۱۸۷	۴۴/۵
	زیاد	۱۶	۱۷/۷	۶۶	۴۵/۴	۷	۱۳/۴	۱۳۵	۳۲/۱
جمع		۹۰	۱۰۰	۱۳۷	۱۰۰	۱۴۱	۱۰۰	۴۲۰	۱۰۰

چنان‌که در جدول (۱-۱) مشاهده می‌گردد، تعاملات خانواده با میزان ابعاد امنیت اجتماعی تفاوت می‌کند. به طور مثال، خانواده‌هایی که از میزان امنیت فکری بیشتری برخوردارند دارای روابط بیشتری با گروه‌های هویتی مختلف هستند. این تفاوت‌ها در مورد سایر ابعاد امنیت اجتماعی نیز ملاحظه می‌شود. پس میزان ابعاد گوناگون

۱۵۰ ❖ تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی

امنیت اجتماعی و نوع تعاملات خانواده رابطه معنی داری وجود دارد. یعنی امنیت بر پذیرش هویت های گوناگون و برقراری ارتباط با آنان تأثیر گذار بوده است. برای تعیین معنی داری این رابطه از آزمون F استفاده شده است.

جدول ۲-۱- تحلیل واریانس ابعاد امنیت اجتماعی و نوع مرادفات خانواده

		Sum of Squares	df	Mean Square	F.	Sig.
امنیت فکری	Between Groups	17.800	3	5.933	17.835	0.00
	Within Groups	138.391	416			
	Total	156.190	419			
امنیت شغلی	Between Groups	8.495	3	2.832	7.553	0.00
	Within Groups	155.969	416	0.333		
	Total	164.464	419			
امنیت اخلاقی	Between Groups	73539	3	2.513	4.540	0.004
	Within Groups	230.258	416	0.554		
	Total	237.798	419			

با توجه به سطح معنی داری که در جدول فوق آمده است، می توان گفت خانواده ها دارای روابط و مناسبات مختلفی هستند، از لحاظ امنیت فکری، شغلی و امنیت اخلاقی با هم تفاوت دارند. یعنی نوع ارتباطات از امنیت تأثیر می پذیرد و خانواده ها با افزایش میزان برخورداری از امنیت، از روابط بسته به سوی روابط باز حرکت می کنند. حال به منظور تفکیک خانواده ها بر حسب تفاوت در میانگین امنیت و تشخیص زیر مجموعه های هم خوان با یکدیگر از آزمون توکی^۱ استفاده شده است، که جدول آن در ذیل آمده است.

^۱. Tokey

تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی ❖ ۱۵۱

۳-۱- گروه بندی ابعاد امنیت اجتماعی و نوع مرادوات خانواده

Subset for alpha = 0.5		تعداد		
2	1			
	۲ / ۳۵۷	۱۳۷	بسته	امنیت فکری
۲ / ۵۵۵	۲ / ۵۵۵	۹۰	نیمه بسته	
۲ / ۶۹۷	۲ / ۶۹۷	۱۴۱	نیمه باز	
۲ / ۷۷۷		۵۲	باز	
	۰ / ۳۹۹		Sig.	
	۱ / ۷۷۷	۹۰	بسته	امنیت شغلی
	۱ / ۸۸۸	۵۲	باز	
۲ / ۱۰۰	۲ / ۱۰۰	۱۳۷	نیمه بسته	
۲ / ۱۶۲		۱۴۱	نیمه باز	
	۰ / ۱۱۱		Sig.	
	۱ / ۸۸۸	۹۰	بسته	امنیت اخلاقی
	۲ / ۱۰۰	۱۳۷	باز	
۲ / ۱۳۹	۲ / ۱۳۹	۱۴۱	نیمه بسته	
۲ / ۳۳۳		۵۲	نیمه باز	
	۰ / ۱۵۸		Sig.	

امنیت فکری در خانواده‌های دارای روابط باز بیشتر است و هر چه میزان امنیت فکری کاهش می‌یابد، خانواده از روابط باز بسوی روابط بسته کشانده می‌شود. امنیت شغلی در خانواده‌های دارای روابط باز و بسته میانگین همسانی را نشان می‌دهد. میانگین امنیت اخلاقی در خانواده‌هایی که دارای روابط باز و بسته هستند، کمتر از موقعیتهای خانواده‌هایی است که دارای روابط نیمه باز یا نیمه بسته هستند. بنابراین، دو طیف افراط و تفریط کمتر به دیگران اعتماد می‌کنند.

امنیت اجتماعی و میزان مرادوات خانواده با گروه‌های هویتی گوناگون

همان‌طور که نوع مرادوات خانواده با ابعاد امنیت اجتماعی رابطه دارد، بالطبع شاخص کلی امنیت اجتماعی نیز با مرادوات خانواده رابطه خواهد داشت. چنان‌که

۱۵۲ ❖ تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی

جدول ۴-۱ نشان می‌دهد، خانواده‌هایی که دارای روابط بسته هستند، از امنیت اجتماعی بالایی برخوردار نیستند. در حالی که ۲۸/۸٪ خانواده‌هایی که روابط باز دارند، از امنیت اجتماعی زیاد بهره برده‌اند.

جدول ۴-۱ - میزان امنیت اجتماعی و نوع مرادوات خانواده

امنیت اجتماعی		مرادوات خانواده	بسته	نیمه بسته	نیمه باز	باز	جمع
اصلاً	فراوانی	۲۳	۲۱	۱۰	۱۰	۶۴	
	درصد	۵/۴	۵	۲/۴	۲/۴	۱۵/۲	
کم	فراوانی	۴۰	۸۷	۲۲	۱۳	۱۶۲	
	درصد	۹/۵	۲۰/۷	۵/۲	۳/۱	۳۸/۵	
متوسط	فراوانی	۲۷	۲۴	۶۸	۱۴	۱۳۳	
	درصد	۶/۴	۵/۷	۱۶/۲	۳/۳	۳۱/۶	
زیاد	فراوانی	۰	۵	۴۱	۱۵	۶۱	
	درصد	۰	۱/۲	۹/۷	۳/۶	۱۴/۵	
جمع	فراوانی	۹۰	۱۳۷	۱۴۱	۵۲	۴۲۰	
	درصد	۲۱/۴	۳۲/۶	۳۳/۵	۱۲/۴	۱۰۰	

همان‌گونه که در جدول ۵-۱ آمده است میانگین شاخص کلی امنیت اجتماعی در خانواده‌ها با داشتن روابط اجتماعی مختلف یکسان نیست. چنانکه سطح معنی‌داری به دست آمده و F مساوی ۷/۱۵۵ به دست آمده است. بنابراین، خانواده‌ها با نوع مرادوات مختلف از لحاظ امنیت اجتماعی با یکدیگر تفاوت دارند.

۵-۱ - شاخص کلی امنیت اجتماعی و نوع مرادوات خانواده

		Sum of Squares	df	Mean Square	F.	Sig.
امنیت اجتماعی	Between Groups	7.539	3	2.511	7.155	0.00
	Within Groups	145.980	416	0.351		
	Total	153.512	419			

تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی ❖ ۱۵۳

Subset for alpha = 0.05		تعداد		
2	1			
	۲/۰۰	۹۰	بسته	امنیت اجتماعی
	۲/۰۷۱	۱۳۷	نیمه بسته	
۲/۱۶۶	۲/۱۶۶	۱۴۱	باز	
۲/۳۴۸		۵۲	نیمه باز	
۰/۲۲۷	۰/۳۰۳		Sig.	

چنان چه در جدول فوق ملاحظه می‌گردد کمترین میانگین امنیت اجتماعی مربوط به خانواده‌هایی است که دارای روابط بسته هستند. امنیت اجتماعی در خانواده‌های دارای روابط باز، بالاتر است. اما روند روبه افزایش امنیت اجتماعی متناسب با نوع تعاملات خانواده افزایش نمی‌یابد. چنان‌که میانگین امنیت اجتماعی خانواده‌های دارای روابط نیمه باز از سایر خانواده‌ها بیشتر است.

نتیجه گیری

در این مقاله، به دنبال پاسخگویی به سه سوال، سعی شد به معنا و مفهوم امنیت اجتماعی پرداخته شود و به دنبال آن نقش امنیت اجتماعی بر هویت مورد بررسی قرار گیرد. برای روشن شدن مفهوم امنیت و پاسخ به دو سؤال امنیت اجتماعی چیست؟ و از چه حوزه معنایی برخوردار است؟ و آیا امنیت اجتماعی دارای حوزه‌ای مستقل در عرصه تبیین و تحلیل جامعه است؟ از روش اسنادی استفاده گردید و با مروری بر ادبیات امنیت اجتماعی نتیجه گرفته شد، که گرچه خاستگاه امنیت اجتماعی جامعه و عناصر اصلی در جامعه می‌باشد، ولی از آن‌رو که به بسیاری از ابعاد جامعه تحت عنوان امنیت ملی پرداخته شده است، موضوع مساهوی که موجب تمیز امنیت ملی از امنیت اجتماعی را فراهم می‌نماید، مسأله هویت جامعه و برخورداری گروه‌های هویتی مختلف از امنیت می‌باشد. بر این اساس نتیجه‌گیری

شد که با تحقق امنیت اجتماعی، گروه‌های هویتی در جامعه از خطرات و آسیب‌ها مصون بوده و امکان حفظ ویژگی‌های هویتی آنان از جمله زبان، آداب و رسوم، نوع پوشش و غیره فراهم است. بنابراین، چون گروه‌های هویتی در مقابل هم قرار نمی‌گیرند و تقابل آنان در بستری از همکاری و روابط مثبت فراهم می‌گردد، افراد جامعه به مراد و تعامل با گروه‌های هویتی مختلف خواهند پرداخت. در این راستا، برای پاسخگویی به سؤال سوم تحقیق یعنی آیا امنیت اجتماعی باعث تداوم و بقای هویت گروه‌های اجتماعی می‌شود؟ پیمایشی در میان خانواده‌ها صورت گرفت و میزان برخورداری آنان از امنیت اجتماعی سنجش و سپس رابطه آن با میزان مراد و خانواده‌ها با گروه‌های مختلف هویتی بررسی گردید. نتیجه به دست آمده حکایت از آن دارد هر چه خانواده‌ها از میزان امنیت اجتماعی بیشتر برخوردارند، به همان نسبت دارای روابط باز و مراد و بیشتری با گروه‌های هویتی مختلف هستند. در واقع، تحقق امنیت باعث می‌شود افراد از انتساب خطر و تهدید به هویت‌های گوناگون اجتناب کرده و راحت‌تر گروه‌های هویتی گوناگون را بپذیرند، که بالطبع این امر موجب پایداری و بقای بیشتر هویت‌های جمعی متعدد خواهد بود.

در مجموع، چون امنیت اجتماعی در گروی نبود جرایم و کنترل آسیب‌هاست، توسط حقوق تنبیهی و ترمیمی محقق می‌شود. یعنی امنیت با از میان برداشتن خطرات و آسیب‌هایی که نحوه عملکرد مناسب و بهینه گروه‌ها را مانع می‌گردد، شرایط مناسب را برای دستیابی به اهداف فراهم نموده و رضایت را تحقق می‌بخشد. از این رو، کشمکش و درگیری خاتمه یافته و گروه‌ها در کنار یکدیگر به هم‌زیستی رضایت می‌دهند. هم‌چنین چون برقراری امنیت مستلزم مقابله با خطراتی چون نابرابری، تبعیض، عدم آزادی و غیره که آسیب‌های جبران‌ناپذیری به کیفیت جامعه وارد می‌کنند، هستند، از ایجاد برخورد، آشوب و زد و خورد کاسته و به پذیرش تنوعات بشری در بستری از اجرای قانون و مقررات عادلانه دامن می‌زند. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت گرچه امنیت اجتماعی خود دارای حوزه‌ای

تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی ❖ ۱۵۵

مستقل در عرصه تبیین و تحلیل است، اما به عنوان متغیر مستقل کلیدی تأثیری مستقیم در حراست از هویت‌های گوناگون و به دنبال آن پایداری هویت‌های مختلف و از آن جمله هویت ایرانی دارد.

منابع و مأخذ

- ۱- آرون، ریمون، ۱۳۷۰، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: سهامی.
- ۲- افروغ، عماد، ۱۳۸۰، *هویت ایرانی*، تهران: موسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.
- ۳- بوزان، باری، ۱۳۷۸، *مردم، دولت‌ها و هراس*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴- ترابی، یوسف و گودرزی، آیت، ۱۳۸۳، *ارزش‌ها و امنیت اجتماعی*، تهران: نشریه دانشگاه علوم انتظامی، فصلنامه دانش انتظامی، سال ششم، شماره دوم.
- ۵- تنهایی، حسین ابوالحسن، ۱۳۷۴، *مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، گناباد: مرنديز.
- ۶- ذاکری، عبدالحسین، ۱۳۷۷، *مفهوم امنیت در عصر جدید*، تهران: نشریه امنیت، سال دوم، شماره چهارم.
- ۷- رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۸، *آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران*، تهران: انتشارات صدا و سیما، سروش.
- ۸- روی، پل، ۱۳۸۲، *معمای امنیت اجتماعی*، ترجمه منیره نویدنیا، تهران: فصلنامه پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره سوم.
- ۹- سیف زاده، حسین، ۱۳۸۳، *معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب*، تهران: وزارت امور خارجه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۰- شیخوندی، داور، ۱۳۸۰، *ناسیونالیسم و هویت ایرانی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۱۱- عبدالله‌خانی، علی، ۱۳۸۳، *نظریه‌های امنیت*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۱۲- کوزر، لوئیس آلفرد، ۱۳۸۴، *نظریه‌های تقابل اجتماعی*، ترجمه عبدالرضا نواح، اهواز: انتشارات رسش.
- ۱۳- گیدنز، آتونی، ۱۳۷۸، *تجدد و تشخیص*، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید،

❖ ۱۵۶ تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی

- ترجمه ناصر موقیان، تهران: نی.
- ۱۴- نویدنیا، منیژه، ۱۳۸۲، درآمدی بر امنیت اجتماعی، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره اول.
- ۱۵- نویدنیا، منیژه، ۱۳۸۴، چندگانگی امنیت: امنیت ملی، عمومی و امنیت اجتماعی، تهران: نشریه معاونت اجتماعی ناجا، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره دوم و سوم.
- ۱۶- ورسلی، پیتر، ۱۳۷۸، نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه سعید معیدفر، تهران: تیان.
- ۱۷- هولاب، رابرت، ۱۳۷۵، یورگن هابرماس نقد در حوزه عمومی، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نی.

- 18- See Boyne, Roy; Risk; London/ UK: Open University Press; 2003
- 19- See Buzan, Barry (2001) Security: A new framework for analysis
- 20-See Guzzini, Stefano/jung, Dietrich; Contemporary Security Analysis and Copenhagen Peace Research; London/ UK: Routledge; 2004
- 21-See Hough, Peter: Understanding Global Security; Oxen/ UK: Routledge; 2004
- 22-See Johnston, Les/ Shearing, Clifford; Governing Security. Explorating in policing and justice; London/ UK: Routledge; 2003
- 23-See Lott, Anthony D. ; Creating insecurity, realism, constructivism and US security Policy; USA: Ashgate Publishing Company; 2004
- 24-See Sweeney, Bill, Security Identity and Interests, United Kingdom, Cambridge, 1999
- 25- See D, Torres, Rodolfo and others (1999) Race, Identity and Security, Oxford: Blackwell
- 26- See, Weaver, Ole (2003) Societal Security www.ciaonet.org/wps/mobol2/index.htm
- 27- See, Wood Ward, Kath (2000) Questioning identity: Gender, Class, Nation, Routledge, London